

مستند «غیر مسکونی»

مسعود زارعان



در دسر هم می‌شود. زارعیان که پیش از این با مستندهایی مثل «خسوف»، «مرهم، ایمان»، مدرسه‌ی حاج آقا و چند اثر دیگر دلبستگی خود را به فضای فرهنگی و طلبگی نشان داده بود این بار هم تمرکزش را بر یک سوزهی جذاب دوست داشتنی می‌گذارد و سعی دارد تا همه‌ی جوانب کار و زندگی طلبه‌ی کوشای «غیر مسکونی» را نشان مان دهد، چه موفقیت‌هایش و چه شکست‌هایش، هم دردی که از مردم دوامی کند و هم دردی که به زندگی شخصی خودش می‌افتد. روایت موازی زندگی خصوصی و فعالیت‌های جهادی و خیریه‌ی طلبه‌ی کوشای مشهدی، که با همراهی خوب خانواده و هم‌محله‌ای‌ها یک مستند پر تنوع با ریتم بالای نود و چند دقیقه‌ای را تشکیل داده، هیجانانگیز و احساساتی که در رفتار سوزهی اصلی غالب است، دیالوگ‌های حساب شده و دکوپاژی که به فیلم‌های داستانی تنه می‌زند، پایان دراماتیک و غیر منتظره، همه باعث شده‌اند با یک مستند واقعاً دراماتیک با به اصطلاح داکوپورامای مواجهیم.

حاج آقای مستند «غیر مسکونی»، همان اوایل کار تکلیف را مشخص می‌کند، می‌گوید من از اول که آمدم به این محله‌ی حاشیه‌ی شهر مشهد، دو چیز دستم بود، دوربین و کتاب! پس من هم به او اعتماد می‌کنم و این راحتی سوزه‌ها و اتفاقات داخل قاب را از این همراهی مستمر دوربین با او می‌دانم و باورش می‌کنم. مستند، ماجرای یک طلبه‌ی پر انرژی و کار بلد است که همه‌ی وقت و توانش را گذاشته برای یک محله‌ی پر حاشیه و پر مخاطره و سعی دارد تا از هر طریقی که می‌تواند به هر قشری که می‌تواند کمک کند. او وسط بازی و فوتبال بچه‌ها هست و برای امیدوار و پایند کردنشان قول آوردن خداد عزیزی را به جام رمضان محله می‌دهد. وسط معتادها و بی‌خانمان‌ها هست و درد دل‌هایشان را می‌شنود و برای دلگرمی‌شان اعیای شب ۲۳ ماه رمضان را با آن‌ها و زیر آسمان خدا سحر می‌کند، پای کار زنان بی‌سرپرست و پدرپرست هم هست و چرخ خیاطی و وسایل اشتغال‌شان را با کمک خیرین مهیا می‌کند و البته این یکی برایش باعث

مستند نیمه بلند «دنیای وحشی زاگرس»

فرشاد افشین پور



صدای گرم و گیرای جناب داود نماینده که اولین جمله را می‌گوید و هم اینکه آن نماهای هوایی فوق العاده را از زاگرس بزرگ می‌بینیم، در همان سکانس معرفی، همه چیز تمام می‌شود. این یعنی اگر اندک علاقه‌ای به مستندهای حیات وحش داشته باشید، مجاب می‌شوید که این هفتاد و پنج دقیقه ارزش وقت گذاشتن و دیدن را دارد. مستندساز سرخ رشته کوه زاگرس را نه از فلات ایران، که از بستر دریایی بین مصر و عربستان آغاز می‌کند تا به مالدین نوید را بدهد که می‌خواهد همه چیز را دقیق و موشکافانه بگوید. دوربین فرشاد افشین پور از مرز ایران و ترکیه در کرانه‌های دریاچه‌ی وان، تا سواحل دریای عمان، از روی خط‌الرأس‌ها و فراز کوه دنا تا قعر دره‌ها و رودخانه‌ها، هر جا که اثری از حیات باشد را گشته و پیاداست که با حوصله‌ی فراوان و خلال سال‌ها تصاویری را ثبت و ضبط کرده، تا این گنجینه‌ی بصری را در غالب یک مستند خوش ساخت تحویل چشم سخت‌پسند مخاطب دهد. سنجاب‌ها، خرس‌ها، پلنگ‌ها، عقاب‌ها و دیگر جانداران که همگی بومی کوه‌های زاگرس هستند هر کدام بخشی از فیلم را به خود اختصاص می‌دهند و گفتار متن بالحنی که مختص همین گونه از مستندهاست، تصاویر را تکمیل می‌کند. افشین پور که در کنار کارگردانی، نویسندگی اثرش را هم به عهده داشته پیش از این نیز با مستندهای تحسین شده‌ای چون «سفر به آمادای»، «زندگی در قلب دنا»، «امپراطوری سنجاب‌ها» و چند اثر دیگر توانمندی خود را در این ژانر حیات وحش ثابت کرده بود و این بار نیز با مستند بلند «دنیای وحشی زاگرس» ما را با تجربه‌ی گرانبهای خود همراه کرده است.

مستند «در پس جنگ»

محمدحسین محمودیان



افغانستان همیشه برای ما مسئله است، ما همیشه مهاجران افغانستانی را می‌بینیم و اخبار کمی آنسوتر را می‌شنویم و حسرت می‌خوریم که چرا فقط ویرانی نصیب این خاک است؟ چرا این کشور گونه‌گون و پر رنگ و فرهنگ همیشه درگیر چند پارگی و جنگ است؟ اما اگر کمی عقب‌تر برویم، جایی که آخرین بازمانده‌ی حکومت سلطنتی نوع حکومت را به ریاست جمهوری تغییر داد و البته بعدترش که دست شوری کمونیست در افغانستان باز شد، یک نشانه‌هایی از اتحاد دیده می‌شود، آنجا که مردم دین و آئین‌شان را در معرض خطر دیدند و هویت افغانستانی‌شان را در مرز نابودی، سپس همه دست به دست هم دادند و در چند مرحله میهن را باز ستاندند و بر ابر قدرت آن روز فائق آمدند. محمودیان در مستند «در پس جنگ» دوران طلایی جهاد را روایت می‌کند، دوران خوش ایستادگی و مقاومت، دوران شیرین اتحاد و ارزش این بازگویی این روزهای شیرین وقتی برای ما بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم افغانستان کشور هزار قوم و هزار فرهنگ است. و در چنین سرزمینی اتحاد برای تاختن بر دشمن مشترک کیمیاست. هر چند این اتحاد هم هیچ به طول نینجامید و باز میهنشان از دست رفت اما همین دوره را می‌توان به عنوان این نشانه شناخت که، آری، در افغانستان هم می‌شود متحد بود و به حبل المتین اسلام و ملیت چنگ زد و وطن را ساخت. این جان حرف محمد حسین محمودیان در مستند «در پس جنگ» است.